

- علوم پایه، نظریه بداهت
- محمدتقی فعالی
- چاپ اول، زمستان ۷۸
- قم: نشر دارالصادقین، ۳۰۳ ص، وزیری

گرایش به دانش، ریشه در ژرفای وجود آدمی دارد و کنجکاوی لب بر لب هستی نهاده است. حقیقت‌پژوهشی از روز نخست حیات بشری آغاز شده و یار دیرین و همراه و همنشین وی بوده است. نگاه این غریزه همواره بیرون را می‌نگریست و انسان بر آن بود تا با شناخت جهان و قوانین حاکم بر آن حیرت ارزشمند خود را پاسخ گوید. خود ذهن بشر از سفره طبیعت فراهم می‌آمد و کشف اسرار جهان، تمام همت او را صرف خود کرد. از این رهگذر علم‌ها پدید آمد و هر یک روزنه و زاویه‌ای از هستی را به روی انسان گشود. منطق، فلسفه، فیزیک، نجوم و ده‌ها شاخه علمی دیگر، پنجره‌های معرفت بشرند که آدمی با آن‌ها به تماشای جهان نشست.

ناگاه بشرگامی به عقب نهاد و نگاه خود را از متعلق شناخت به خود شناخت برگرداند و از خود پرسید: اگر من در پی شناخت عالم هستم، حقیقت شناخت چیست؟ ماهیت مفاهیم و قضایا که ابزار کشف واقعند چیست؟ روابط آن‌ها چگونه است؟ ذهن چگونه ماهیتی دارد؟ این‌ها و ده‌ها سؤال دیگر، معرفت را به یک پرسش تبدیل کرد. مسأله معرفت گرچه با

شکاکیت آغاز شد و علل و انگیزه‌های خاص خود را داشت، اما اصل طرح آن و حساسیت بدان، مبارک و ارزشمند بود. توجه جدی به ذهن، معرفت، منطق، ریاضیات، تقسیم بندی‌های دقیق تر علوم، پی‌ریزی نظریات افلاطون، ارسطو و اموری از این دست، نتایج ارزنده این رهیافت نوین به پدیده ذهن و معرفت بود. لیکن مسأله معرفت راز و رمزهای بسیار و اسرار ناگشوده فراوان دارد و با کشف هر لایه از ذهن، انبوهی از پرسش‌های تازه و گزنده سر برمی آورد. (ص ۱۲)

مسأله معرفت در جهان غرب به گونه‌ای ره پیمود و در عالم اسلام به گونه‌ای دیگر. در آن سوی گیتی، آغاز شکاکانه داشت، ولی در جهان اسلام به شک و شکاکیت گرفتار نیامد و همواره یقین رهاورد و بار درخت ذهن بوده است.

مسأله دیگر این بود که اگر نگاهی گذرا به محتوای ذهن بکنیم، شکی باقی نمی‌ماند که علوم انسان مرکب است. آیا تحلیل و سیر قهقرایی این علوم را به علوم بسیط رهنمون می‌شود؟ اگر به بسائط رسید، معارف اولیه و بسائط دانش انسانی کدام است؟ بسائط چگونه برای ذهن حاصل می‌آید؟ ابتدای معارف بر بسائط و کیفیت تولید آن‌ها از بسائط چه ماهیتی دارد؟ (ص ۱۲)

از سوی دیگر فلاسفه مسلمان جهان از همان قرون اولیه این سؤال را پیش روی خود می‌دیدند که صور ذهنی تا چه حد در حکایت‌گری از واقع توفیق دارند؟ اگر فرض را بر این بگذاریم که عالمی مستقل از ذهن وجود دارد، نمایان‌گری و حکایت‌گری ذهن از خارج، حدود واقع‌گروی را مشخص می‌کند. آیا ذهن و ذهنیات نسخه مطابق با اصل را در اختیار دارد؟ میزان انطباق ذهن بر عین تا چه حدی است؟

به دیگر سخن طرح مسأله حقیقت و ارزشمندی علوم، چهره منطق و فلسفه اسلامی را دگرگون ساخت. پاسخ‌نهایی تمام فلاسفه و متفکران اسلام این بود که در میان علوم و معارف ذهنی، می‌توان ادراکات صادقی یافت که همه آن‌ها ریشه در مضمون الصدق‌ها دارند. در اینجا است که بدیهیات پا به میان می‌نهند و آفتاب صدق و ارزش را بر ذهن و اندیشه آدمی می‌تابانند. علوم بدیهی است که دست انسان را در دست واقع می‌گذارند تا غریزه حقیقت‌جویی او را اجابت کنند.

هدف اصلی نوشتار حاضر اثبات بدیهیات است. بدین منظور پیش‌درآمدی در چهار فصل

بدین ترتیب تدوین گشته است:

۱. حقیقت علم ۲. علم حضوری و علم حصولی ۳. تصور و تصدیق ۴. بدیهی و نظری.

در پیش درآمد، نخست جایگاه مسأله علم در علوم مختلف اسلامی مطرح شده است. بررسی ابعاد علم و مسأله حقیقت و جایگاه مسأله بداهت از دیگر مباحث این قسمت است. نویسنده در این بخش مطرح می‌کند که مسأله معرفت در جای علم اسلامی مطرح شده است. علوم عقلی از دو دریچه و دو زاویه به ادراک نگاه کرده‌اند: نگاه آلی و نگاه استقلال‌ی. هر یک از این دو نگاه مسائلی را در فلسفه، کلام و منطق پدید آورده است. مؤلف در زمینه مبحث حقیقت، متذکر می‌شود که ما با دو ملاک روبرو هستیم: ملاک ثبوتی و ملاک اثباتی. بدیهیات به عنوان مهم‌ترین ملاک اثباتی در مسأله حقیقت و صدق مطرح می‌شوند.

نویسنده در فصل اول، حقیقت علم را بررسی می‌کند و بر این اعتقاد است که ساختار کلی علم اقتضا می‌کند که نخست ماهیت علم بر ملا شود. چارچوب کلی در علوم اسلامی - اعم از فلسفه، منطق و کلام - تقسیم علم به دو قسم حضوری و حصولی است. علم حصولی به تصور و تصدیق و هر یک از این دو به بدیهی و نظری تقسیم می‌شود. از این رو لازم است که تحلیل جوهره علم، سخن آغازین این کتاب باشد. در این رابطه قریب بیست نظریه به ترتیب تاریخی مطرح و تجلی شده است.

موضوع فصل دوم، اولین تقسیم‌بندی علم است. این فصل به سه دیدگاه در مورد تمایز علم حضوری از حصولی پرداخته است. ویژگی‌های علم حضوری، اقسام آن و نهایتاً اثبات اصالت علم حضوری و علم حصولی به همراه این دیدگاه‌ها در این زمینه، دیگر مباحث این بخش را تشکیل می‌دهند.

فصل سوم با محور قرار دادن تصور، تصدیق و حکم، به تحلیل و بررسی دیدگاه‌ها در این سه زمینه می‌پردازد. تعریف تصور و تصدیق، پله اول است. در زمینه حکایت‌گری تصور از خارج، سه دیدگاه مطرح است که به آن اشاره شده است. ماهیت حکم در تصدیقات و قاضایا، از دیگر مباحث پیچیده‌ای است که مؤلف به شش نظریه در مورد آن اشاره کرده است. ماهیت تصدیق و بیان اجزاء قضیه، از دیگر مباحثی است که لازم بود قبل از طرح مسأله بدیهی و نظری پرداخته شود. آخرین فصل کتاب که پر برگ و بار نیز می‌باشد، تحلیل و بررسی مسأله مهم بدیهی و نظری است. نویسنده در آغاز راه واژگان را مطرح کرده و به تاریخ واژه «بدیهی و نظری» اشاره می‌کند. از

آنجا که تعریف، بسیاری از موارد ابهام را برطرف می‌سازد، چهار دیدگاه یعنی آراء ایجی، خواجه، حکماء، ابن‌سینا و ملاصدرا مدنظر قرار گرفته است.

از نکات جالب توجه احکام‌گزاره‌های بدیهی است. مؤلف در جمع‌بندی نهایی تمام بدیهیات ثانویه را براساس یک تعریف از محدوده بداهت خارج می‌داند، مگر آنکه بدیهی را به معنای «کاملاً واضح» مطرح می‌کنیم. نگاه جدید مؤلف در نظریه بداهت، از قسمت‌های خواندنی این فصل است. آنچه آخرین قسمت این بخش را تشکیل می‌دهد، بیان شش دلیل به سود بدیهیات و نقادی ده اشکال در این زمینه می‌باشد.

پایان سخن اینکه کتاب حاضر اولاً با تذکر و عمق بخشیدن به یکی از مهم‌ترین مسائل معرفت‌شناسی، اطلاعات فراوانی در اختیار خواننده قرار می‌دهد. ثانیاً نویسنده سعی دارد با توجه به برخی مباحث معرفت‌شناسی نوین، نگاه جدید و متفاوتی به مسأله بداهت داشته باشد. ثالثاً در نوشتار حاضر ابتکاراتی به چشم می‌آید. از جمله در زمینه تعریف و احکام‌گزاره‌ها، تعریف علم، حقیقت تحکم، تعریف بدیهی و نقد اشکالات بدیهی.

با این همه در این کتاب ضعف‌هایی نیز راه یافته است. از جمله عنوان کتاب یعنی «علوم پایه» ابهام به مباحثی دارد که در علوم دانشگاهی بیشتر ناظر به ریاضیات است. هر چند عنوان «نظریه بداهت» تا حدی این ابهام را مرتفع می‌سازد، اما در نگاه نخست این امر چندان کارساز نیست. دوم، هدف اصلی کتاب پرداختن به مسأله بدیهیات است، اما بخش عمده‌ای از کتاب حاضر به مقدمات پرداخته است.

به هر تقدیر، این کتاب از جمله کتبی است که به طور استقلالی به یکی از مباحث اساسی معرفت‌شناسی پرداخته است، لذا می‌تواند برای اهل تحقیق، سودمند و باید حضور این اثر را در جمع مباحث تخصصی، معتنم شمرد و تلاش نویسنده فاضل و ناشر را ارج نهاد.